

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال سوم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۳

جهان پس از ظهور منجی از منظر «عهد جدید»

منیره قضاوی*

چکیده

مسئله ظهور منجی و پیامدهای آن از آموزه های کلیدی عهد جدید - کتاب مقدس مسیحیان - است. از منظر این کتاب، جهان در آستانه بازگشت منجی، وضعیتی متزلزل و پر آشوب را تجربه می کند و با بازگشت او تحولات و دگرگونی هایی در عالم ایجاد می شود. بازگشت مسیح به عنوان موعودی نجات بخش با دو هدف «داوری» و «برقراری ملکوت خداوند» صورت می گیرد و جهان روشنی را نوید می دهد. در آستانه پایان یافتن جهان، حکومت هزار ساله مسیح که با بازگشت او به وجود می آید، با قیامی که علیه وی برپا خواهد شد به پایان خواهد رسید. در این نوشتار، وضعیت جهان در فاصله ظهور منجی تا پایان تاریخ از منظر عهد جدید مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

منجی، بازگشت مسیح، آخرالزمان، داوری، ملکوت خداوند، عهد جدید.

* دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه قم (monireghazavi@yahoo.com).

مقدمه

اعتقاد به منجی و آینده درخشانی که به دست او رقم می‌خورد، ویژه اسلام نیست و بیشتر ادیان و مکاتب چشم‌به‌راه منجی و نجات‌بخش خویش‌اند. در این میان، مسیحیان در انتظار بازگشت مسیح هستند و سعادت و حیات ابدی خود را در گرو بازگشت دوباره او می‌بینند. کتاب مقدس به کرات به موضوع بازگشت مسیح پرداخته و چند باب کامل را به تبیین این آموزه اختصاص داده است. با توجه به همین حقیقت، می‌توان رجعت مسیح را از مهم‌ترین تعالیم کتاب مقدس دانست. اما اگرچه مسیحیان درباره ظهور دوباره عیسی اتفاق نظر دارند، عهد جدید به عنوان کتاب مقدس آنان و حجت دینی مسیحیت، درباره دوره بعد از بازگشت مسیح تا وقوع قیامت، دارای ابهاماتی است و نایل شدن به ملکوت الهی - که از مهم‌ترین اهداف بازگشت مسیح است - به چند صورت ناهم‌سان مطرح شده و از این رو، به دشواری می‌توان تصویری روشن و هماهنگ از تحولات پس از بازگشت مسیح ارائه کرد. اما به طور کلی می‌توان گفت بازگشت مسیح با دو هدف «داوری» و «برقراری ملکوت خداوند» انجام می‌گیرد (نک: صادق‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۷) و جهان وضعیتی مطلوبی می‌یابد تا این که در آستانه وقوع قیامت با آزادی شیطان از اسارت هزارساله، قیامی علیه حکومت مسیح برپا خواهد شد که مقدمه وقوع قیامت می‌گردد.

مهم‌ترین پرسش‌های مطرح در این باره به این قرار است:

۱. از منظر عهد جدید، وضعیت جهان در آستانه بازگشت منجی چگونه است؟
۲. هدف از بازگشت دوباره حضرت مسیح چیست و ظهور او چه نتایجی را در پی خواهد داشت؟
۳. وضعیت جهان در آستانه برپایی قیامت از منظر عهد جدید چگونه خواهد شد؟

جهان در آستانه بازگشت منجی

از منظر عهد جدید، جهان در آستانه بازگشت منجی، وضعیتی متزلزل و پر آشوب را تجربه می‌کند. در این دوران - که در عهد جدید از آن به عنوان «زمان‌های آخر» یا «روزهای آخر» یاد می‌شود - تعداد انبیای کاذب افزایش یافته، خطر بدعت در کلیسا زیاد می‌شود (نک: متی ۲۴: ۴-۵ و ۱۱؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۳؛ اول تیموتائوس ۴: ۱؛ دوم تیموتائوس ۳: ۳ و ۳: ۴-۳؛ دوم پطرس ۲: ۱-۳)؛ آموزه‌های نادرست مذهبی انتشار می‌یابد (نک: مرقس ۱۳: ۲۱-۲۲) و

به امور دینی و قوانین الهی بی توجهی می شود (نک: لوقا ۱۷: ۲۶-۳۰ و ۸: ۱۸). ایمان داران مسیح نیز مورد جفا قرار می گیرند (نک: متی ۱۰: ۲۲-۲۳ و ۹: ۲۴-۱۰؛ مرقس ۱۳: ۱۳) و بدین ترتیب، دین با چالش و تهدید مواجه می شود.

روابط انسانی به سردی می گراید، محبت و عواطف خانوادگی کاهش می یابد (نک: مرقس ۱۲: ۱۳) و بر روابط انسانی، بی اخلاقی حاکم می شود (نک: دوم تیموتائوس ۳: ۱-۶). جنگ های بزرگ و وحشتناک کشته های بسیار می گیرد و امنیت انسان ها به مخاطره می افتد (نک: متی ۲۴: ۲۱-۲۲؛ مرقس ۱۳: ۱۵-۱۹؛ مکاشفه ۹: ۱۴-۱۱ و ۱۴: ۲۰ و ۱۲: ۱۶-۲۱ و ۱۹: ۱۷-۱۸).

در روزهای آخر، شخصی بی دین و شریر، فرمان روای جهان می شود و حکومت در دست شریان قرار می گیرد (نک: مکاشفه ۱۳: ۱-۱۸ و ۱۱: ۱۷-۱۷؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۲). عذاب های الهی به منظور تنبه و بیداری انسان ها نازل می شود، اما مؤثر واقع نمی گردد (نک: مکاشفه ۹: ۵-۶) و به این ترتیب، وضعیت جهان در آستانه بازگشت مسیح، به هم ریخته و نامطلوب است.

بازگشت مسیح

بازگشت دوباره عیسی مسیح ﷺ از مفاهیم کلیدی و پراهمیت کتاب مقدس است. بدان پایه که در مجموعه عهد جدید بیش از سیصدبار به این موضوع پرداخته شده است و چندین باب کامل به این موضوع اختصاص یافته اند؛ برای نمونه می توان ابواب ۲۴ و ۲۵ انجیل متی، ۱۳ انجیل مرقس و نیز ۲۱ انجیل لوقا را برشمرد. فراتر از این در این مجموعه رساله هایی وجود دارد که صرفاً در همه ابواب خود به تفسیر و تبیین همین آموزه پرداخته اند؛ مانند رساله اول و دوم پولس به تسالونیکیان و نیز مکاشفه یوحنا. بر این اساس می توان با قاطعیت گفت بخشی از مفاهیم کتاب مقدس متضمن مفهوم بازگشت دوباره عیسی است (تیسین، بی تا: ۳۲۷).

بازگشت مسیح ﷺ - که از مهم ترین آموزه های عهد جدید است - پس از طی شدن دوران مصیبت عظیم محقق می شود. بازگشت عیسی مسیح ﷺ به منظور برقراری ملکوت الهی اتفاق می افتد که جز خداوند کسی از زمان آن آگاه نیست. این روز، ناگهانی و غیرمنتظره است و عهد جدید لزوم آمادگی برای این روز را گوشزد می کند و بازگشت مسیح ﷺ را یگانه راه حل برای

ادامه حیات و زندگانی برمی شمرد.

حضرت عیسی علیه السلام اهمیت آمادگی برای بازگشت خود را این چنین بیان می دارد:

همواره لباس برتن، برای خدمت آماده باشید! مانند خدمتکارانی که منتظرند اربابشان از جشن عروسی بازگردد و حاضرند هر وقت که برسد و در بزند، در را به رویش باز کنند. خوشا به حال آن خدمتکارانی که وقتی اربابشان می آید بیدار باشند. یقین بدانید که او خود لباس کار برتن کرده، آنان را بر سر سفره خواهد نشاند و به پذیرایی از ایشان خواهد پرداخت. بلی، خوشا به حال آن غلامانی که وقتی اربابشان می آید بیدار باشند؛ خواه نیمه شب باشد، خواه سپیده دم ... زمان دقیق بازگشت ارباب معلوم نیست. بنابراین، شما نیز آماده باشید؛ زیرا من - مسیح موعود - هنگامی باز خواهم گشت که کمتر انتظارش را دارید. (لوقا ۱۲:۳۵-۴۰)

عیسی مسیح علیه السلام شکوه بازگشت خویش را این چنین ترسیم می کند:

هنگامی که من - مسیح موعود - باشکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آن گاه بر تخت باشکوه خود خواهم نشست. سپس تمام قوم های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد. (متی ۲۵:۳۱-۳۲)

بر اساس روایت انجیل های هم نوا و مکاشفه یوحنا، درست پس از پایان اعصار، هنگامی که خداوند تصمیم می گیرد جریان زمان و تاریخ را متوقف سازد، رویدادی کیهانی به نام بازگشت ثانوی مسیح اتفاق می افتد. در این رویداد، مسیح علیه السلام از نو حیات می یابد و با شکوه تمام بازمی گردد تا زنده ها و مرده ها را داوری کند. عیسی علیه السلام با صراحت تمام چنین اعلام می دارد:

پس از این مصیبت ها، خورشید تیره و تار خواهد شد و ماه دیگر نخواهد درخشید؛ ستاره ها خواهند افتاد و آسمان دگرگون خواهد شد. آن گاه تمام مردم مرا خواهند دید که در ابرها با قدرت و شکوه عظیم می آیم. من فرشتگان خود را خواهم فرستاد تا برگزیدگانم را از سراسر دنیا، یعنی از گوشه و کنار زمین و آسمان جمع کنند. (مرقس ۱۴:۲۴-۲۷؛ متی ۲۵:۲۹-۳۱)

در مکاشفه یوحنا آمده است:

بنگرید! او سوار بر ابرها می آید. هر چشمی او را خواهد دید، حتی آنانی که به پهلوی او نیزه زدند او را خواهند دید؛ و تمام قوم های جهان از شدت وحشت و اندوه خواهند گریست. بلی، آمین! بگذار چنین باشد. (مکاشفه ۱:۷)

معنا و چگونگی بازگشت عیسی علیه السلام

بازگشت عیسی مسیح علیه السلام - که از اصول مهم ایمان مسیحی است - و مفهومی پراهمیت در

متون مقدس این دین به شمار می‌رود، با تفسیرهای متفاوتی روبه‌رو می‌شود؛ گاهی با استناد به آیاتی چون «تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم» (اول تسالونیکیان ۴: ۱۷)، بازگشت عیسی علیه السلام، حضور او در آسمان معنا شده و گاه نیز با تمسک به آیاتی چون «عیسی به آسمان رفت و همان‌گونه که رفت، یک روز نیز باز خواهد گشت» (اعمال رسولان ۱: ۱۱) بازگشت عیسی علیه السلام به حضوری زمینی تفسیر شده است. با بررسی بیشتر مشخص می‌شود که هرکدام از این حضورها، به مرحله‌ای از مراحل بازگشت اشاره می‌کند؛ برای مثال، با استناد به آیه «باز می‌آیم و شما را برداشته، با خود خواهیم برد» (یوحنا ۱۴: ۳)، ملاقات با ایمان داران و دادن پاداش به آن‌ها از اهداف بازگشت عیسی به آسمان شمرده شده، داوری میان امت‌ها و برقراری ملکوت خدا و حکومت الهی، از اهداف بازگشت زمینی عیسی مسیح علیه السلام به شمار می‌رود. با این همه، از نگاه الهی دانان مسیحی، عیسی به هنگام بازگشت خود، دارای دو نوع ظهور خواهد بود: بازگشت آسمانی و بازگشت زمینی، که هرکدام دارای هدف و غایتی هستند (صادق‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

بازگشت اولیه مسیح علیه السلام یا آمدن او به آسمان

این مرحله شامل ربودن مؤمنان - توسط کلیسا - و بردن آنان به آسمان است. در یک چشم برهم زدن، به صورت ناگهانی و بدون آگاهی قبلی، عیسی مسیح علیه السلام آن‌هایی را که آماده بازگشت او هستند، می‌رباید و به آسمان می‌برد. پولس رسول می‌گوید:

این را من از جانب خداوند می‌گویم: ما که هنگام بازگشت مسیح خداوند زنده باشیم، زودتر از مردگان به آسمان نخواهیم رفت... پیش از همه، مسیحیانی که مرده‌اند زنده خواهند شد تا خداوند را ملاقات کنند. سپس ما که هنوز زنده‌ایم و روی زمین باقی هستیم، همراه ایشان در ابرها رفته خواهیم شد تا همگی خداوند را در هوا ملاقات کنیم. (اول تسالونیکیان ۴: ۱۵-۱۸)

هدف از این ملاقات در آسمان، دادرسی مؤمنان و دادن پاداش به آن‌ها و حساب پس دادن در استفاده از استعدادها، اموال و فرصت‌هایی است که به آن‌ها داده شده بود (نک: دوم تیموتائوس ۴: ۸؛ متی ۵: ۱۱-۱۲).

هدف مهم دیگر، آماده کردن اوضاع و از میان بردن موانع ظهور است. موانع ظهور ممکن است دولت‌های بشری یا شیطان باشند که از آن‌ها به عنوان بی‌دین، دجال، ضد مسیح و قانون شکن یاد شده است (قاسمی قمی، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

دوران مصیبت عظیم

پس از مرحله اول ظهور مسیح و پیش از مرحله دوم آن، دوران مصیبت بسیار شدیدی پیش‌گویی شده است. در این دوره - که بنابر برخی اشاره‌ها هفت سال طول خواهد کشید - چنان زمان سخت و تنگی خواهد شد که از هنگام پیدایش امت‌ها تا بدین روز همانندی نداشته است (نک: متی ۲۴: ۲۱). در آن روزها بلایای مختلف از قبیل جنگ، قحطی و زلزله نازل خواهد شد (نک: متی ۲۴: ۶-۸؛ مرقس ۷: ۱۳-۸) و جنگ‌های وحشتناک، کشتارهای فراوان به‌جا خواهد گذاشت و با ظهور ضد مسیح (مرد بی‌دین)، فعالیت‌های شیطانی به مقدار زیادی افزایش خواهد یافت (نک: دوم تسالونیکیان ۲: ۳-۱۰؛ مکاشفه ۱۳: ۱-۱۸) و خدا خشم خود را بر بی‌دینی خواهد ریخت (مکاشفه ۶: ۱۷؛ ۹: ۱-۶) و بدترین و شدیدترین دوران مصیبت جهانی به وقوع خواهد پیوست (مرقس ۱۳: ۱۵-۱۹).

بازگشت ثانویه مسیح ﷺ و سلطنت هزار ساله او بر زمین

هنگامی که سال‌های مصیبت بی‌سابقه به پایان خود نزدیک شود، روح‌هایی از دهان اژدها، از دهان وحش و از دهان نبتی کاذب بیرون می‌آیند و بر پادشاهان خروج می‌کنند تا ایشان را برای جنگ عظیم در «هرمجدون» فراهم آورند (مکاشفه ۱۶: ۱۳-۱۷). آنان جمع می‌شوند تا اورشلیم را تصرف کنند و یهودیان و فلسطین را به اسارت درآورند (نک: زکریا ۱۲: ۱؛ ۱۳: ۱؛ ۱۴: ۲)، ولی وقتی به پیروزی نزدیک شده‌اند، مسیح ﷺ با لشکریان خود از آسمان نزول خواهد کرد و در جنگ نهایی، پس از غلبه مسیح بر آنان، پیشوایانشان گرفتار و به دریاچه آتش افکنده خواهند شد (نک: مکاشفه ۱۹: ۱-۲۱). سپاهیان آنان نیز با شمشیری که از دهان مسیح ﷺ خارج می‌شود کشته خواهند شد و راه برای استقرار حکومت مسیح هموار خواهد گردید (نک: مکاشفه ۱۹: ۱۵).

این دوره، هزار سال به طول می‌انجامد و مسیح - فرمان‌روای جهانی - پرستش خواهد شد و عدل و انصاف کامل در جهان برپا خواهد گشت؛ زیرا شیطان و روح‌های شریر بسته می‌شوند و به مدت هزار سال در هاویه افکنده خواهند شد (نک: مکاشفه ۲۰: ۱-۳ و ۴: ۶).

پایان سلطنت هزارساله، برپایی قیامت و داوری نهایی

بعد از سلطنت هزارساله مسیح ﷺ شیطان برای مدت کوتاهی رهایی خواهد یافت (نک: مکاشفه ۲۰: ۷) و پس از آزاد شدن، بسیاری را بر روی زمین علیه مسیح ﷺ خواهد شورانید

(نک: مکاشفه ۲۰: ۷-۹) و در جنگی که صورت می‌گیرد، آتش از آسمان نازل می‌شود و لشکر شیطان را نابود می‌کند و خود شیطان به دریاچه آتش افکنده می‌شود (نک: مکاشفه ۲۰: ۱۰)؛ تمامی مردگان از قبر می‌خیزند (نک: یوحنا ۵: ۲۸-۲۹؛ مکاشفه ۲۰: ۱۲-۱۵) و با وقوع قیامت، داوری نهایی صورت می‌گیرد (نک: مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۵) و در نهایت، زمین و آسمان جدیدی خلق خواهد شد (نک: همان ۱: ۲۱-۵) و زمین و آسمان جدید یا اورشلیم آسمانی، مرکز فرمان‌روایی خدا می‌شود (نک: همان ۱: ۲۱-۳).

جهان پس از بازگشت مسیح ﷺ

هدف عیسی مسیح ﷺ از بازگشت چیست و ظهور او چه نتایجی را در پی خواهد داشت و با بازگشت او چه تحولاتی در جهان به وجود خواهد آمد؟
در پاسخ به این سوال باید اذعان کرد با مطالعه عهد جدید، اهداف متعددی برای بازگشت مسیح ﷺ به دست می‌آید؛ اما از دو هدف به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهدافی که عهد جدید تأکیدی ویژه بر آن‌ها دارد، می‌توان یاد کرد:
- بازگشت مسیح ﷺ برای قضاوت و داوری؛
- بازگشت مسیح ﷺ برای برقرار ساختن ملکوت خداوند.

قضاوت و داوری

مهم‌ترین آموزه در عهد جدید درباره بازگشت مسیح ﷺ مسئله قضاوت و داوری اوست. در عهد جدید واژه «داوری» سه معنای متفاوت دارد؛ یعنی به سه طریق متفاوت به کار می‌رود:
۱. قضاوت کردن درباره دیگران؛
۲. داوری هنگام بازگشت مسیح ﷺ و در ابتدای سلطنت هزارساله (داوری اول)؛
۳. داوری نهایی هنگام برپاشدن قیامت و در پایان جهان.

۱. قضاوت کردن درباره دیگران

در نامه اول پولس به مسیحیان قرنتس آمده است:

پس شما هم با عجله در این باره داوری نکنید که چه کسی خدمت‌گزار خوبی است و چه کسی بد؛ وقتی خداوند بازگردد، همه چیز را روشن خواهد ساخت و همه به وضوح خواهند دید که هریک از ما در عمق وجودمان چگونه شخصی بوده‌ایم و با چه نیتی خدا را خدمت کرده‌ایم. در آن زمان، خدا هرکس را همان قدر که سزاوار است، تحسین خواهد

نمود. (اول قرن‌تین ۴: ۵)

۲. داوری هنگام بازگشت مسیح ﷺ

مسئله‌ای که در عهد جدید بارها به آن پرداخته شده و بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، «داوری مسیح پس از بازگشت» است. در این داوری، مسیح بر تخت باشکوه خود می‌نشیند و میان مردم و امت‌ها داوری می‌کند و برای خوبان، حیات ابدی و ملکوت، و برای بدان، مجازات ابدی در نظر می‌گیرد. مشخصه‌های این داوری در عهد جدید به قرار زیر است:

الف) داوری، هدف از بازگشت مسیح ﷺ است

در انجیل لوقا از قول حضرت مسیح ﷺ چنین بیان شده است:

من آمده‌ام تا بر روی زمین آتش داوری بیفروزم، و کاش هرچه زودتر این کار انجام شود.
(لوقا ۱۲: ۴۹)

ب) همه امت‌ها مشمول این داوری می‌شوند

هنگامی که من - مسیح موعود - با شکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آن‌گاه بر تخت باشکوه خود خواهم نشست. سپس تمام قوم‌های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد، همان‌طور که چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می‌کند. (متی ۲۵: ۳۱-۳۲)

ج) داوری بر اساس اعمال صورت می‌گیرد؛ خوبان جاودانه و بدان هلاک می‌شوند

من با فرشتگان خود، در شکوه و جلال پدرم خواهم آمد و هرکس را از روی اعمالش داوری خواهم کرد. (همان ۱۶: ۲۷)

سپس تمام قوم‌های زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد، همان‌طور که یک چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می‌کند؛ گوسفندها را در طرف راستم قرار می‌دهم و بزها را در طرف چپم.

آن‌گاه به‌عنوان پادشاه، به کسانی که در طرف راست من اند خواهم گفت: بیایید ای عزیزان پدرم، بیایید تا شما را در برکات ملکوت خدا سهیم گردانم؛ برکاتی که از آغاز آفرینش دنیا برای شما آماده شده بود... سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند، خواهم گفت: ای لعنت شده‌ها، از این‌جا بروید و به آتش ابدی داخل شوید که برای شیطان و ارواح شیطانی آماده شده است. (همان ۲۵: ۳۲-۳۴ و ۴۱)

او (خداوند) به من اختیار داده است تا گناهان مردم را داوری کنم، چون من پسرانسان نیز هستم. از این گفته من تعجب نکنید! چون وقت آن رسیده است که تمام مرده‌ها در قبر صدای مرا بشنوند و از قبر بیرون بیایند تا کسانی که خوبی کرده‌اند، به زندگی جاوید

برسند و کسانی که بدی کرده‌اند، محکوم شوند. (یوحنا ۵: ۲۷-۲۹)

د) داوری مسیح ﷺ زیر نظر خداوند صورت می‌پذیرد

عیسی ﷺ می‌گوید:

و اما من پیش از آن که کسی را محاکمه نمایم، نخست با پدرم مشورت می‌کنم. هرچه خدا به من دستور دهد، همان را انجام می‌دهم. از این رو محاکماتی که من می‌کنم کاملاً عادلانه است؛ زیرا مطابق میل و اراده‌ی خدایی است که مرا فرستاده، نه مطابق میل خودم. (همان ۳۰:۵)

پدرم خدا، داوری تمام گناهان مردم را به من واگذار کرده است. (همان ۲۲:۵)
او (خداوند) به من اختیار داده است تا گناهان مردم را داوری کنم. (همان ۲۷:۵)

۳. داوری نهایی

پس از پایان حکومت هزارساله حضرت مسیح ﷺ بر روی زمین، شیطان - که در اسارت هزارساله بود - آزاد می‌شود و به فریب قوم‌های مختلف می‌پردازد و آن‌ها را علیه مسیح می‌شوراند. آن‌ها شهر مقدس را محاصره می‌کنند و می‌کوشند آن را با توسل به زور تسخیر نمایند؛ ولی از آسمان آتش نازل شده و آن‌ها را هلاک می‌کند و علائم برپایی قیامت ظاهر می‌شود. مردگان قیام داده می‌شوند و مقابل تخت بزرگ و سفید داوری قرار می‌گیرند و «داوری نهایی» اتفاق می‌افتد. هرکسی که نامش در دفتر حیات یافت نشود، به دریاچه‌ی آتش افکنده می‌شود. یوحنا در مکاشفه خود درباره‌ی روز داوری آخر می‌گوید:

آن‌گاه، تخت بزرگ سفیدی را دیدم. بر آن تخت کسی نشسته بود که زمین و آسمان از روی او گریختند و ناپدید شدند. سپس مرده‌ها را دیدم که از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده‌اند. دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر زندگان رسید. مردگان همگی بر طبق نوشته‌های این دفترها محاکمه شدند. بنابراین، دریا و زمین و قبرها، مرده‌هایی را که در خود داشتند تحویل دادند تا مطابق اعمالشان محاکمه شوند. آن‌گاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه‌ی آتش افکنده شد. این است مرگ دوم؛ یعنی همان دریاچه‌ی آتش. هرکس نامش در دفتر زندگان نبود، به دریاچه‌ی آتش افکنده شد. (مکاشفه ۱۱: ۲۰-۱۵)

برقرار ساختن ملکوت خداوند

بر اساس عهد جدید، از مهم‌ترین کارکردهای ظهور و بازگشت مسیح، تحقق و برقراری ملکوت خداوند است.

«ملکوت» از واژه‌های پربسامد در *عهد جدید* است که معانی مختلفی را دربر می‌گیرد؛ گاهی برقراری ملکوت، امری است تدریجی و تکاملی، همچون افتادن دانه در خاک و رشد و نمو گیاه و به ثمر رسیدن آن در پایان این سیر و جریان که طلیعه این جریان تکاملی، ظهور عیسی علیه السلام و انتشار بشارت اوست و سرانجام با او به غایت خواهد رسید. گاهی نیز در بخش‌های دیگری از کتاب *عهد جدید*، ملکوت الهی، امری است باطنی و ایمانی که همه کس بالقوه در آن سهیم است و این تنها زمانی تحقق و فعلیت می‌یابد که ایمان درست و استوار در دل حاصل شود و حیات روحی و اخلاقی مؤمن را دگرگون گرداند (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۹: ج ۱، مدخل آخرالزمان، ۱۴۲). گاهی هم ملکوت معنای برقراری حکومت و سلطنت زمینی پیدا می‌کند.

تفسیر *عهد جدید*، «ملکوت» را این‌گونه شرح داده است:

ملکوت خدا یا ملکوت آسمان، اشاره به مکانی خاص نیست و مانند حکومت‌های دنیوی نیست؛ ملکوت خدا، ملکوتی روحانی است که خدا با اقتدار بر آن حکمرانی می‌کند. به یک معنا، ملکوت خدا در همه جا هست. اما در *عهد جدید*، ملکوت خدا معمولاً به معنای «حکومتی روحانی» است که در آن، فرشتگان و انسان‌ها خدا را پرستیده، از او اطاعت می‌کنند. بنابراین به این معنا دنیا هنوز ملکوت خدا محسوب نمی‌شود، بلکه ملکوت شیطان است. با وجود این به معنایی دیگر، عیسی علیه السلام ملکوت خدا را بر زمین آورد؛ تمام کسانی که به عیسی علیه السلام ایمان دارند، بلافاصله از حکومت شیطان - یعنی قلمرو ظلمت - آزاد شده، وارد ملکوت خدا می‌شوند. (هیل و تورسون، ۲۰۰۱: ۲۵)

در انجیل لوقا آمده است:

روزی بعضی از فریسیان از عیسی علیه السلام پرسیدند: ملکوت خدا کی آغاز خواهد شد؟ عیسی علیه السلام جواب داد: ملکوت خدا با علائم قابل دیدن آغاز نخواهد شد! و نخواهند گفت که در این گوشه یا آن گوشه زمین آغاز شده است؛ زیرا ملکوت خدا در میان شماست. (لوقا ۲۰: ۲۱-۲۰)

انجیل مرقس نیز از زبان حضرت عیسی علیه السلام چنین بیان می‌کند:

زمان موعود فرا رسیده است. به زودی خداوند ملکوت خود را برقرار خواهد ساخت. پس، از گناهان خود دست بکشید و به این خبر خوش ایمان بیاورید. (مرقس ۱: ۱۵)

در انجیل متی، حضرت عیسی علیه السلام پس از بیان حکایتی، درباره جایگاه انسان‌های نیکوکار و بدکار در ملکوت خدا می‌فرماید:

همان طور که در این حکایت، علف‌های هرز را دسته کردند و سوزاندند، در آخرالزمان نیز همین طور خواهد شد؛ من فرشتگان خود را خواهم فرستاد تا هر چیزی که باعث لغزش می‌شود و هر انسان بدکاری را از ملکوت خداوند جدا کنند و آن‌ها را در کوره آتش بریزند و بسوزانند؛ جایی که گریه و فشار دندان بر دندان است. در آن زمان انسان‌های نیک در ملکوت پدرم خدا، همچون خورشید خواهند درخشید. اگر گوش شنوا دارید، خوب گوش دهید. (متی ۱۳: ۴۰-۴۳)

بررسی آن چه مسیح درباره ملکوت بر زبان آورد، روشن می‌سازد که سخنان او در بعضی موارد به اقتدار و حاکمیت کلی خدا و فرمان‌روایی او بر جهان هستی، یا حکومت او بر قلب‌ها مربوط می‌شود و به حکومت روحانی خداوند اشاره دارد و در مواردی دیگر، سخنان او مربوط به حکومتی زمینی می‌شود. بنابراین، اشتباه است که «ملکوت» را فقط به «حکومت روحانی»، یا فقط به «حکومت زمینی» محدود سازیم.

نکته قابل توجه این که ملکوت خدا در حقیقت تحقق وعده‌هایی است که خدا به داوود علیه السلام داده که سلطنت او را تا ابد پایدار خواهد ساخت (دوم سموئیل ۷: ۸-۱۶) و بارها آن را با سوگند تأکید کرده بود (نک: مزامیر ۸۹: ۳). حال، این وعده الهی با آمدن عیسی علیه السلام محقق خواهد شد. مراد از ملکوت خدا در این وعده‌ها مجموعه آرمان‌های معنوی و اجتماعی است که عیسی علیه السلام در یک فعالیت شاهانه آن‌ها را عملی خواهد ساخت. بر اساس این وعده‌ها، عیسی علیه السلام با تشکیل حکومتی الهی - که از آن به ملکوت خدا یاد شده است - اهداف رهایی بخش خود را عملی خواهد کرد (نک: صادق‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۸).

مشخصه‌های حکومت خداوند

از منظر عهد جدید، حکومت و سلطنت الهی که با بازگشت مسیح علیه السلام برقرار می‌گردد، دارای ویژگی‌هایی است؛ از جمله:

۱. سلطنت هزارساله

سلطنت هزارساله که شش بار در عهد جدید و در کتاب مکاشفه به کار گرفته شده است، به معنای حکومت یک هزار ساله است و اشاره به طول نمادین ملکوت خدا دارد. در مکاشفه یوحنا آمده است:

خوشبخت و مقدس‌اند، آنانی که در این قیامت اول سهمی دارند. اینان از مرگ دوم هیچ هراسی ندارند، بلکه کاهنان خدا و مسیح بوده، با او هزار سال سلطنت خواهند کرد.

(مکاشفه ۶:۲۰)

از این رو «هزاره باوری» و «هزاره گرایی»، به عنوان یک اصل دینی، در محافل مسیحی مجال ظهور یافته است.

۲. برپا شدن عدالت

از ویژگی های برجسته سلطنت یا ملکوت الهی، برپا شدن عدالت و رعایت عدل و انصاف است. عیسی علیه السلام خطاب به شاگردانش «در موعظه سرکوه» می گوید:

خوشا به حال ماتم زندگان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت، خوشا به حال فروتنان، زیرا ایشان مالک تمام جهان خواهند گشت، خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا سیر خواهند شد. (متی ۴:۵-۶)

انجیل متی، پیش گویی اشعیای نبی را بر حضرت عیسی علیه السلام تطبیق می کند که می فرماید:

این است بنده من که او را برگزیده ام؛ او محبوب من و مایه شادی من است. من او را از روح خود پرمی سازم تا قوم ها را داوری کند. نه می جنگد و نه فریاد می کشد و نه صدایش را کسی می شنود. شخص ضعیف را از پای در نمی آورد و امید مردم را - هر قدر نیز که کوچک باشد - از بین نمی برد. با پیروزی خود، به تمام بی عدالتی ها خاتمه خواهد داد و مایه امید تمام قوم ها خواهد بود. (همان ۱۸:۱۲-۲۱)

۳. از بین رفتن شرارت و گناه

در باب بیستم از مکاشفه یوحنا آمده است که پس از بازگشت مسیح، شیطان (اژدها) به مدت هزارسال در بند می شود:

سپس فرشته ای را دیدم که از آسمان پایین آمد. او کلید چاه بی انتها را همراه می آورد و زنجیری محکم نیز در دست داشت. او اژدها را گرفت و به زنجیر کشید و برای مدت هزارسال به چاه بی انتها افکند. سپس در چاه را بست و قفل کرد تا در آن هزارسال نتواند هیچ قومی را فریب دهد. پس از گذشت این مدت، اژدها برای مدت چند لحظه آزاد گذاشته خواهد شد. اژدها همان مار قدیم است که اهریمن و شیطان نیز نامیده می شود. (مکاشفه یوحنا ۱:۲۰-۳)

بنابراین، با دربند شدن شیطان در ابتدای سلطنت هزارساله، همه فعالیت های ارواح شریر نیز قطع می شود و دیگر شیطان یا ارواح شریر، انسان ها را به گناه و شرارت تحریک نخواهند کرد و هر گناهی که از انسان ها سربرزند، ناشی از دل و درون آن هاست. این وضع، دنیایی را ممکن می سازد که در آن همه از شرارت و گناه فاصله می گیرند و جامعه انسانی به حد بالایی از

اخلاق و معنویت دست خواهد یافت.

در نامه اول پولس به مسیحیان قرن‌تس آمده است:

مگر نمی‌دانید که مردم نادرست از برکات سلطنت خدا بی‌نصیب خواهند ماند؟ خود را فریب ندهید! شهوت‌رانا، بت‌پرستان، زانیان و آنانی که به دنبال زنان و مردان بدکاره می‌افتند و همین‌طور دزدان، طمع‌کاران، مشروب‌خواران و کسانی که به دیگران تهمت می‌زنند یا مال مردم را می‌خورند، در دنیای جدیدی که خدا سلطنت می‌کند، جایی نخواهند داشت. (اول قرنتیان ۹:۶-۱۰)

۴. برقراری امنیت و آرامش

با آمدن مسیح ﷺ جهان، آکنده از صلح و داد و آبادی و عمران می‌شود، جنگ و ستیزه‌جویی از بین می‌رود و همه در آسایش و آرامش زندگی می‌کنند. پولس در نامه دوم خود به مسیحیان تسالونیک می‌نویسد:

بنابراین، به شما که رنج و آزار می‌بینید، اعلام می‌دارم که وقتی عیسی - خداوند - به ناگاه در میان شعله‌های آتش و با فرشتگان نیرومند خود از آسمان ظاهر شود، خدا به ما و به شما آسودگی خواهد بخشید. (دوم تسالونیکیان ۷:۱)

عهد قدیم نیز مزده دوران آرامش را این‌گونه بیان می‌کند:

در آن زمان، گرگ و بره در کنار هم به سر خواهند برد، پلنگ و بزغاله با هم خواهند خوابید، گوساله با شیر راه خواهد رفت و یک کودک آن‌ها را به هر جا که بخواهد، خواهد راند. (اشعیا ۱۱:۶)

جنگ و خون‌ریزی از جهان رخت برمی‌بندد و امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهد آموخت. (همان ۲:۴)

۴. فراوانی، برکت و رفاه

وقتی مسیح ﷺ به زمین بازگردد، تغییر چشم‌گیری نیز در کل خلقت ایجاد می‌شود؛ در نتیجه برکت حضور مسیح، زمین‌های خشک سرسبز می‌شود و بیابان‌ها مسکونی خواهد شد و زمین ثمردهی بسیاری پیدا می‌کند و در نتیجه، نعمت‌ها و برکات وافر می‌شود.

در بیابان چشمه‌ها و در صحرا، نهرها جای خواهند شد، شوره‌زار به برکه و زمین خشک و تشنه به چشمه تبدیل خواهند گردید. (همان ۳۵:۷)

حکومت صالحان

از مفاهیم کلیدی و پراهمیت **عهد جدید** - که در رسائل پولس، دامنه بیشتری یافته است -

اجتماع ایمان داران با مسیح علیه السلام است. مسیح علیه السلام پس از بازگشت، تمام مقدسان جفادیده را به دور هم جمع خواهد کرد و آنان در جلال و پادشاهی مسیح علیه السلام شریک می شوند و همراه با او سلطنت خواهند کرد.

در مکاشفه یوحنا آمده است:

و ایشان (رهبران ایمان داران) را برای خدای ما (مسیح) کاهن ساختی و به سلطنت رساندی. از این رو، بر زمین سلطنت خواهند کرد. (مکاشفه ۱۰:۵)

پولس در نامه اش به مسیحیان روم می نویسد:

پس هنگامی که ما (ایمان داران) را برگزید، ما را به نزد خود فراخواند؛ و چون به حضور او آمدیم، ما را در «بی گناه» به حساب آورد و وعده داد که ما را در شکوه و جلال خود شریک سازد. (رومیان ۸: ۳۰)

در مکاشفه یوحنا آمده است:

آن گاه تخت هایی دیدم و کسانی بر آن ها نشستند و به ایشان اختیار و قدرت دادی دادند. سپس جان های کسانی را دیدم که به سبب اعلام پیغام عیسی علیه السلام و کلام خدا سربریده شدند. همچنین، جان های آنانی را دیدم که جان دار خبیث و مجسمه اش را نپرستیده بودند و علامتش را بر پیشانی و دست های خود نداشتند. اینان همگی، زندگی را از سر نو آغاز کردند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند.

این «قیامت اول» است. قیامت بعدی در پایان آن هزار سال رخ خواهد داد؛ در آن زمان، بقیه مردگان زنده خواهند شد.

خوشبخت و مقدس آنانی که در این قیامت اول سهمی دارند؛ اینان از مرگ دوم هیچ هراسی ندارند، بلکه کاهنان خدا و مسیح بوده، با او هزار سال سلطنت خواهند کرد. (مکاشفه ۲۰: ۴-۶)

بر اساس آموزه های عهد جدید درباره «ملکوت الهی»، هرچند میان بازگشت مسیح و تحقق سلطنت خداوند رابطه ای مستقیم وجود دارد، اما چگونگی تحقق «ملکوت خداوند» یا «سلطنت الهی» از نظر مسیحیان مبهم است و اساساً درباره تشکیل حکومت توسط حضرت مسیح علیه السلام یا به عبارتی پادشاهی حکومت هزارساله، ابهام جدی وجود دارد و به جرئت می توان گفت عهد جدید در این مسئله صراحت و تأکیدی نداشته، حال آن که شأن «قضاوت و داوری» حضرت مسیح علیه السلام به گونه ای مشهود و برجسته مورد تأکید عهد جدید است.

پایان جهان

حکومت هزارساله ای که با بازگشت مسیح به وجود آمد، طبق مکاشفه یوحنا (۷:۲۰-۹) با قیامی که علیه مسیح عجله برپا خواهد شد، به پایان خواهد رسید. این قیام در نتیجه آزاد شدن شیطان واقع خواهد گردید. او که در سرتاسر ایام حکومت هزارساله در بند شده بود، بلافاصله پس از آزاد شدن، بسیاری را بر روی زمین علیه مسیح خواهد شورانید. آنانی که تحت رهبری شیطان بر ضد مسیح قیام می کنند، شهر مقدس را محاصره کرده، می کوشند آن را با توسل به زور تسخیر کنند، ولی از آسمان آتش نازل شده، آن ها را هلاک می کند. با نابود شدن لشکر مذکور، خود شیطان نیز به دریاچه آتش افکنده می شود؛ یعنی همان جایی که وحش و نبی کاذب، هزارسال پیش از این بدان افکنده شدند.

پس از پایان آن هزار سال، شیطان از زندان آزاد خواهد شد. او بیرون خواهد رفت تا قوم های گوناگون، یعنی جوج و مأجوج را فریب داده، برای جنگ متحد سازد. آنان سپاه عظیمی را تشکیل خواهند داد که تعدادشان همچون ماسه های ساحل دریا بی شمار خواهد بود. ایشان در دشتی وسیع خلق خدا و شهر محبوب اورشلیم را از هر سو محاصره خواهند کرد. اما آتش از آسمان، از سوی خدا خواهد بارید و همه را خواهد سوزاند. سپس شیطان - که ایشان را فریب داده بود - به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش، همان جایی است که با گوگرد می سوزد و آن جان دار خبیث و پیامبر دروغین او، شبانه روز تا به ابد در آن جا عذاب می کشند. (همان ۷:۲۰-۱۰)

پس از آن، روز داوری آخر می رسد. توصیف بسیار روشنی از داوری نهایی مردگان در مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵ آمده است؛ تخت بزرگ سفید، مستقر در فضا تصویر شده و آسمان و زمین، هر دو از آن می گریزند و ظاهراً نیست و نابود می شوند. مردگان پس از این که قیام داده شدند، در مقابل این تخت حاضر می شوند و سپس بر اساس اعمالشان مورد داوری قرار می گیرند. هرکسی که نامش در دفتر حیات یافت نشود، به دریاچه آتش افکنده می شود. در عین حال که مجادلاتی درباره ماهیت دقیق دفتر حیات وجود دارد، شکی نمی توان داشت که در این مورد عدم وجود اسامی اشخاص در دفتر حیات، به روشنی حکایت از آن دارد که آن ها نجات نیافته اند. ایشان بر این اساس به دریاچه آتش افکنده می شوند تا به شیطان، وحش و نبی کاذب بپیوندند.

آن گاه تخت بزرگ سفیدی را دیدم. بر آن تخت کسی نشسته بود که زمین و آسمان از روی او گریختند و ناپدید شدند. سپس مرده ها را دیدم که از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده اند. دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر زندگان رسید. مردگان

همگی بر طبق نوشته‌های این دفترها محاکمه شدند. بنابراین، دریا، زمین و قبرها، مرده‌هایی را که در خود داشتند، تحویل دادند تا مطابق اعمالشان محاکمه شوند. آن‌گاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه‌ی آتش افکنده شد. این است مرگ دوم، یعنی همان دریاچه‌ی آتش. هرکس نامش در دفتر زندگان نبود، به دریاچه‌ی آتش افکنده شد. (همان ۲۰:۱۱-۱۵)

پس از آن، همه چیز تازه شده، زمین و آسمان جدید خلق می‌شود. باب‌های ۲۱ و ۲۲ مکاشفه، تصویر وضعیت ابدی را که پس از سلطنت هزارساله فرا می‌رسد، ترسیم می‌کند. آسمان و زمین کهنه نابود گردیده، آسمان و زمین جدیدی ساخته خواهد شد که وضع آن کاملاً با زمین کنونی فرق دارد. آسمان و زمین جدید، اورشلیم آسمانی یا سماوی را در خود جای می‌دهد. این شهر همچون عروسی توصیف شده که خود را برای داماد خود آراسته است. در این وضعیت مبارک جدید، خدا با قوم خود مشارکت و هم‌نشینی خواهد داشت و در صحنه‌ی جهان حاضر خواهد بود. غم و اندوه، دیگر وجود نخواهد داشت و شرارت و بی‌ایمانی امکان ظهور پیدا نخواهد کرد و همه خواهند توانست از برکاتی که خدا بر آن‌ها افاضه می‌کند بهره‌مند شوند.

سپس زمین و آسمان تازه‌ای را دیدم، چون آن زمین و آسمان اول ناپدید شده بود. از دریا هم دیگر خبری نبود. و من - یوحنا - شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد. چه منظره‌ی باشکوهی بود! شهر اورشلیم به زیبایی یک عروس بود که خود را برای ملاقات با داماد آماده کرده باشد. از تحت، صدایی بلند شنیدم که می‌گفت: خوب نگاه کن! خانه‌ی خدا از این پس در میان انسان‌ها خواهد بود. از این پس خدا با ایشان زندگی خواهد کرد و ایشان خلق‌های خدا خواهند شد. بلی، خود خدا با ایشان خواهد بود. خدا تمام اشک‌ها را از چشمان آن‌ها پاک خواهد ساخت. دیگر نه مرگی خواهد بود و نه غمی، نه ناله‌ای و نه دردی؛ زیرا تمام این‌ها متعلق به دنیای پیشین بود که از بین رفت. (همان ۲۱:۱-۴)

در این وضعیت ابدی است که وعده‌ی اول قرن‌تیان (۲۴:۱۵) تحقق پیدا می‌کند و یک جهان فتح شده توسط مسیح عَلَيْهِ تسلیم خدا می‌گردد.

پس از آن، آخرت فرا خواهد رسید. در آن زمان، مسیح تمام دشمنان خود را نابود خواهد ساخت و سلطنت را به خدای پدر واگذار خواهد کرد؛ زیرا سلطنت مسیح تا زمانی خواهد بود که همه‌ی دشمنان خود را نابود سازد... سرانجام، وقتی مسیح بر تمام دشمنان خود پیروزی یافت، آن‌گاه خود او نیز - که فرزند خداست - خود را تحت فرمان پدرش خدا قرار

خواهد داد تا خدا که او را بر همه چیز مسلط ساخته بود، بر کل عالم هستی حاکم شود.
(اول قرن‌تین ۱۵: ۲۴-۲۸)

نتیجه

بر اساس آن چه گذشت و بنا بر آموزه‌های *عهد جدید*، نتایج زیر به دست می‌آید:
۱. از منظر *عهد جدید*، جهان در آستانه‌ی بازگشت منجی، وضعیتی متزلزلی را تجربه می‌کند. در این دوران آخر، تعداد انبیای کاذب افزایش یافته و خطر بدعت در کلیسا زیاد می‌شود. تعالیم نادرست مذهبی انتشار می‌یابد و دین با چالش‌ها و تهدیدات بسیار روبه‌رو می‌شود و در حقیقت به دین و قوانین الهی بی‌توجهی می‌شود. اخلاق جایگاهی شایسته نداشته و ناامنی فراگیر می‌شود.

۲. برجسته‌ترین موضوع در *عهد جدید*، مسئله‌ی «بازگشت مسیح» است و دو هدف به عنوان اهداف عمده‌ی این بازگشت مورد تأکید قرار گرفته؛ «داوری» و «برقراری ملکوت الهی».

۳. آن چه از آموزه‌های *عهد جدید* قابل استنتاج است، این است که هرچند میان بازگشت مسیح و تحقق سلطنت خدا رابطه برقرار است، اما چگونگی تحقق ملکوت خدا یا سلطنت الهی از نظر مسیحیان مبهم است و اساساً در ارتباط با «تشکیل حکومت» توسط حضرت مسیح یا به عبارتی «پادشاهی و سلطنت هزارساله» ابهام جدی وجود دارد و آن قدر که بر رسالت «داوری» او پس از بازگشت تأکید و اصرار شده، بر حکومت و پادشاهی وی چنین ابرامی نرفته است.

۴. در آستانه‌ی وقوع قیامت، حکومت هزار ساله‌ی مسیح که با بازگشت او به وجود می‌آید، با قیامی که علیه وی برپا خواهد شد به پایان خواهد رسید و مقدمه‌ی وقوع قیامت خواهد شد.

منابع

- تیسین، هنری، *الهیات مسیحی*، ترجمه: میکائیلیان، تهران، انتشارات حیات ابدی، بی تا.
- صادق نیا، مهرباب، «درآمدی بر آموزه نجات بخش در مسیحیت»، فصل نامه *مشرق موعود*، سال اول، ش ۴، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۶ ش.
- صادق نیا، مهرباب، «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت»، *مجموعه مقالات گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- قاسمی قمی؛ جواد، «مبانی آموزه بازگشت مسیح در کتاب مقدس»، فصل نامه *مشرق موعود*، سال سوم، ش ۹، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.
- کتاب *مقدس*، تهران، انجمن کتاب نویسان، انتشارات ایلام، ۲۰۰۲ م.
- موسوی بجنوردی، سید کاظم، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش.
- هیل، توماس؛ استیفان تورسون، *تفسیر کاربردی عهد جدید*، ترجمه: آرمان رشدی و فریبرز خندانی، بی جا، بی نا، چاپ اول، ۲۰۰۱ م.